جلسه 6-604

**یک‌شنبه - 28/06/1400**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللة الرحمن الرحیم الحمد للّه رب العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللة في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به شرطیت استقلال در قیام بود که عرض کردیم روایات مختلف هست.

دو روایت برای شرطیت استقلال در حال قیام ذکر شده: یکی روایت عبدالله بن سنان هست و دیگری روایت عبدالله بن بکیر.

اشکال سندی به روایت عبدالله بن سنان: روایت مرسله است چون احمد بن محمد بلاواسطة از نضر بن سوید نقل نمی‌کند

روایت عبدالله بن سنان دلالتش واضح است: لاتمسک بخمرک و انت تصلی و لاتستند الی جدار و انت تصلی الا ان تکون مریضا[[1]](#footnote-1). منتها اشکالی که در این روایت مطرح می‌‌شود به لحاظ سندش است. چون مصدر این روایت تهذیب است که دارد و عنه یعنی عن احمد بن محمد عن نضر بن سوید عن عبدالله بن سنان عن ابی‌عبدالله علیه السلام. در منتقی الجمان جلد 2 صفحه 76 فرمودند فی طریق هذا الحدیث اشکال لان احمد بن محمد لایروی عن النضر بن سوید بغیر واسطة. معمولا احمد بن محمد چه احمد بن محمد بن عیسی باشد چه احمد بن محمد بن خالد برقی باشد با واسطه از نضر بن سوید نقل می‌‌کند. واسطه‌اش یا حسین بن سعید است یا محمد بن خالد برقی است.

در چهار مورد پیدا شده که بدون واسطه سند ذکر شده احمد بن محمد عن نضر بن سوید: یکی همین روایت در مقام است، یکی در بصائر الدرجات جلد 1 صفحه 158 هست: احمد بن محمد عن النضر بن سوید عن هشام بن سالم[[2]](#footnote-2)، یکی هم بصائر الدرجات در صفحه 485 هست: احمد بن محمد عن النضر بن سوید عن یحیی الحلبی[[3]](#footnote-3)، یکی هم در کافی هست جلد 7 از طبع دارالکتب الاسلامیة صفحه 380: احمد بن محمد عن النضر بن سوید عن قاسم بن سلیمان[[4]](#footnote-4). پس چهار مورد پیدا شده که واسطه ذکر نشده، ‌احمد بن محمد عن النضر بن سوید نقل شده.

و لکن با توجه به کثرت مواردی که واسطه ذکر شده و همین چهار مورد هم دو موردش با توضیحی که شیخ و نجاشی دادند، باید واسطه ساقط شده باشد. مثلا همین مورد دوم بصائر الدرجات احمد بن محمد عن النضر بن سوید عن یحیی الحلبی، وقتی در ترجمه یحیی الحلبی به فهرست شیخ رجوع می‌‌کنیم نوشته کتاب یحیی الحبی را احمد بن محمد از محمد بن خالد برقی و حسین بن سعید از نضر بن سوید از یحیی حلبی نقل می‌کند[[5]](#footnote-5). مورد دومی که از بصائر الدرجات نقل کردیم در صفحه 485 که احمد بن محمد عن النضر بن سوید عن یحیی الحلبی. شیخ در فهرست در ترجمه یحیی حلبی می‌‌گوید کتاب یحیی حلبی را احمد بن محمد از محمد بن خالد برقی و حسین بن سعید از نضر بن سوید از یحیی حلبی نقل می‌‌کند یعنی واسطه ذکر کرده. و یا روایتی که در کافی بود که احمد بن محمد عن نضر بن سوید عن قاسم بن سلیمان، نجاشی در ترجمه قاسم بن سلیمان می‌‌گوید له کتاب رواه احمد بن محمد بن عیسی عن حسین بن سعید عن نضر بن سوید عن قاسم بن سلیمان[[6]](#footnote-6). این‌ها نشان می‌‌دهد در این روایاتی که بی واسطه ذکر شده احمد بن محمد از نضر بن سوید یا مطمئنا واسطه سقط شده یا به قول آقای زنجانی المظنون قویا وقوع السقط به نحوی که دیگر اعتماد به این نسخ نمی‌شود کرد که چهار مورد پیدا کردیم که واسطه افتاده بود بعد از این‌که اینقدر نسخه‌ها سقط داشته، اختلاف داشته.

پاسخ: واسطه در هر صورت ثقه است

اما الذی یسهّل الخطب: انسان وثوق پیدا می‌‌کند هر کجا واسطه ذکر شده بین احمد بن محمد و نضر بن سوید، یا محمد بن خالد برقی بوده که ثقه است یا حسین بن سعید که از اجلاء اصحاب است. احتمال این‌که یک شخص ضعیفی واسطه شده بین احمد بن محمد و نضر بن سوید، این احتمال، ‌موهوم است.

و این‌که کسی بگوید کی می‌‌گوید این احمد بن محمد در کتاب تهذیب احمد بن محمد بن عیسی یا احمد بن محمد بن خالد برقی است، ‌شاید یک احمد بن محمد دیگری است که مجهول است این احتمال‌ها عرفی نیست. ظاهر احمد بن محمد یا برقی است یا احمد بن محمد بن عیسی است که هر دو ثقه هستند.

[سؤال: ... جواب:] عن ابیه. همه جا احمد بن محمد بن خالد برقی یا از محمد بن خالد برقی (پدرش) از نضر بن سوید نقل می‌‌کند یا از حسین بن سعید.

و لذا در منتقی الجمان در ادامه این‌جور گفته، صاحب معالم خیلی متضلع در علم حدیث هست، در ادامه می‌‌گوید و فی فهرست الشیخ ان احمد بن محمد یروی کتاب النضر بن سوید عن محمد بن خالد البرقی و الحسین بن سعید عنه و تتبعت کثیرا من الاسانید المتضمنة لروایته عن النضر فرأیت ان احد الرجلین یتوسط بینهما و قد یجتمعان، گاهی هم نه، ‌واسطه محمد بن خالد برقی و هم حسین بن سعید با هم هستند. و عسی ان یکون الاعتبار الذی ازلنا به الاشکال عن بعض الاسانید السالفة جاریا هنا فیحصل به وصف الصحة لهذا الخبر[[7]](#footnote-7).

احتمال این‌که در این‌جا ربیع بن محمد ‌واسطه شده باشد که حالا نقل از او را هم عرض می‌‌کنم که ما احتمال می‌‌دهیم این‌جا هم ربیع بن محمد واسطه شده که او ربیع بن محمد مجهول الحال هست، این احتمال، موهوم است. بصائر الدرجات جلد 1 صفحه 214، در دو مورد در بصائر الدرجات نقل می‌‌کند[[8]](#footnote-8).

بهرحال احتمال این‌که این همه حدیث دارد احمد بن محمد از نضر بن سوید و نوعا همان‌طور که در فهرست گفته یا واسطه حسین بن سعید است یا واسطه محمد بن خالد برقی است. و خود این روایت را هم شیخ دارد نقل می‌‌کند در تهذیب، ‌همین شیخی که در فهرست راجع به نضر بن سوید می‌‌گوید احمد بن محمد به واسطه محمد بن خالد برقی و حسین بن سعید نقل می‌‌کند از نضر بن سوید. آن وقت احتمال این‌که بگوییم ربیع بن محمد بوده واسطه و ربیع بن محمد هم مجهول است، این احتمال‌ها به نظر موهوم می‌آید. منتها این تابع وثوق و علم عادی انسان است و الا آن وقت می‌‌شوید مثل همین کسانی که در سند این حدیث نوشتند ضعیفٌ، در این درایة النور.

دلالت این روایت که روشن بود، سندش هم بعید نیست درست باشد.

دفع اشکال سندی از روایت عبدالله بن بکیر: محمد بن ولید از معمرین است، بنابراین نقل بلاواسطه حمیری از او ممکن است

روایت دوم، ‌روایت عبدالله بن بکیر بود. تعجب است مرحوم محقق همدانی فرموده ضعیف است، ‌آقای تبریزی فرمودند ضعیف است. چرا ضعیف است؟ حمیری از محمد بن ولید که از ثقات و معمرین بوده نقل می‌‌کند از عبدالله بن بکیر. شاید احتمال می‌‌دادند این‌جا نشود حمیری با دو واسطه از امام صادق نقل کند. نه، ‌محمد بن ولید از معمرین است و حمیری خودش از قدماء اصحاب است، ‌غیبت صغری را درک کرده، پدر آن محمد بن عبدالله حمیری، یعنی خود عبدالله حمیری صاحب قرب الاسناد است و لذا می‌‌تواند نقل کند با دو واسطه از امام صادق علیه السلام به شرط این‌که یکی از این‌ها معمر باشند.

راجع به این روایت عبدالله بن بکیر به لحاظ دلالتش ما دیروز گفتیم این روایت مفادش این است که عبدالله بن بکیر از امام صادق سؤال کرد که آدم نشسته نماز بخواند یا تکیه به عصا یا دیوار بدهد حکمش چیست؟ ‌امام فرمود نه، ما ‌شأن ابیک و ‌شأن هذا ما بلغک ابوک هذا بعدُ[[9]](#footnote-9). دو جور می‌‌شود معنا کرد: یکی این‌که راجع به خودش سؤال می‌‌کرده، ‌حضرت فرموده پدرت هم به این حد نرسیده که با تکیه بر عصا یا نشسته نماز بخواند تا چه برسد به تو. یک احتمال هم این است که اصلا بحث راجع به پدر عبدالله بن بکیر بوده و امام متوجه شدند که او راجع به پدرش سؤال می‌‌کند و لذا از ابتداء فرمودند کانّه راجع به پدرت داری سؤال می‌‌کنی، ‌پدرت که هنوز به این سن نرسیده که با تکیه بر عصا نماز بخواند. طبق احتمال اول این‌جور می‌‌شود: ما ‌شأن ابیک و ‌شأن هذا فکیف بک. ولی در روایت نیست فکیف بک باید از جیب‌مان بگذاریم. طبق احتمال دوم نمی‌گوییم امام به علم امامت [متوجه شدند بلکه]، ‌به قرائنی متوجه شدند سؤال عبدالله بن بکیر راجع به پدرش است و لذا فرمودند پدرت هنوز به این حد نرسیده. یعنی نهی کردند از صلات قاعدا یا صلات متوکئا علی العصا.

اشکال دلالی آقای سیستانی بر روایت عبدالله بن بکیر: ظاهرا فرض روایت دوران بین قیام بدون استقلال و جلوس است

آقای سیستانی فرمودند به نظر ما درست است از این روایت می‌‌شود فهمید نهی از اعتماد بر عصا یا دیوار را در حال قیام در حال اختیار ولی مدلول اصلی روایت یک چیز دیگر است. تاثیر دارد در بحث. ایشان می‌‌فرمایند یک بحثی بین عامه بود، در نیل الاوطار هم هست، در مسأله 14 قیام در عروه هم هست، که امر مکلف دائر است یا ایستاده با تکیه بر عصا نماز بخواند یا نشسته. کدام‌ها متعین است؟ بایستم باید به عصا تکیه بدهم یا به دیوار تکیه بدهم ولی اگر بنشینم راحت نماز می‌‌خوانم. در نیل الاوطار می‌‌گوید مخیری، صاحب عروه در مسأله 14 می‌‌گوید یتعین القیام، بایست و لو تکیه بر عصا می‌‌دهی. نوعا هم محشین پذیرفتند[[10]](#footnote-10). آقای سیستانی می‌‌فرمایند ظاهر این روایت این است که سؤال از این است که در دوران امر بین نماز نشسته و نماز ایستاده با تکیه بر عصا کدام‌ها متعین است؟ سألت اباعبدالله علیه السلام عن الصلاة قاعدا أو یتوکأ علی عصا أو علی حائط. کی؟ در دوران امر بین نماز ایستاده با عصا یا نماز نشسته. امام فرمودند نوبت به دوران نمی‌رسد در مورد تو یا پدر تو؛ تو و پدر تو که می‌‌توانی ایستاده بدون تکیه بر عصا نماز بخوانید. از این می‌‌فهمیم که در حال اختیار نه نشسته می‌‌شود نماز خواند نه ایستاده با تکیه بر عصا. از این جهت به درد ما می‌‌خورد.

ولی ایشان می‌‌خواهد با این مطلبش بگوید آن ذیلی که هست، ثم قال ابوعبدالله علیه السلام: لابأس بالصلاة و هو قاعد و لابأس بالتوکأ علی عصا، ‌او راجع به همین فرض دوران است. یعنی عبدالله!‌ نه تو نه پدر تو، فرض دوران در موردتان مطرح نیست، شما که هنوز جوان هستید، اما اگر فرض دوران بشود، ‌یک پیرمردی است، می‌‌گوید بایستم تکیه بر عصا باید بدهم، اگر می‌‌گویید، بنشینم، ‌هم‌چون فرضی اگر پیش بیاید مخیر است. ‌مثل همانی که نیل الاوطار گفت، ‌لابأس بالصلاة و هو قاعد، یعنی در فرضی که عاجز است از نماز ایستاده بدون تکیه بر عصا دوست داشت بنشیند نماز بخواند، دوست داشت بایستد تکیه بر عصا بدهد. لابأس بالصلاة و هو قاعد و لابأس بالتوکأ علی عصا.

پاسخ: قرینه‌ای در روایت بر این مطلب وجود ندارد

انصافا قرینه‌ای بر فرمایش آقای سیستانی نیست. البته آقای سیستانی در نتیجه موافقند که این موثقه عبدالله بن بکیر در حال اختیار نهی می‌‌کند از اتکاء بر عصا ولی این‌که بگویند سؤال از فرض دوران امر بین اتکاء بر عصا در حال قیام و بین جلوس بود و ذیل هم مربوط به همین فرض دوران است که می‌‌گوید مخیر هستی بینهما، انصاف این است که هیچ قرینه‌ای در روایت بر این نیست. بلکه به نظر ما این روایت قرائنی داشت که حمل می‌‌کردیم این را بر نافله که دیروز توضیح دادیم.

اما روایات مجوزه:

اولین روایت مجوزه تکیه بر عصا یا دیوار صحیحه علی بن جعفر بود: سأل اخاه موسی بن جعفر عن الرجل هل یصلح له ان یستند الی حائط المسجد و هو یصلی أو یضع یده علی الحائط و هو قائم من غیر مرض و لا علة؟ فقال لابأس[[11]](#footnote-11).

آقای خوئی فرمودند این روایت نص در جواز اعتماد بر عصا و مانند آن در حال قیام هست، صحیحه عبدالله بن سنان را حمل بر کراهت می‌‌کنیم. و لذا فتوی داده به جواز اعتماد بر عصا و نحو آن در حال قیام مع کراهیة.

عرض کردم مشهور حمل کردند صحیحه عبدالله بن سنان را گفتند نهی کرده از اعتماد بر عصا به نحوی که اگر عصا را از دستش بگیرند می‌‌افتد، و این صحیحه علی بن جعفر جایی است که فقط عصا دستش گرفته برای این‌که یک مقدار راحت قیام کند ولی اگر عصا را از دستش بگیرند نمی‌افتد.

جمع سوم بین روایات ناهیه و مجوزه (محقق داماد): حمل روایت مانعه بر صلات فریضه (قدرمتیقن) و روایت مجوزه بر صلات نافله (قدرمتیقن)

آقای داماد هم که فرمودند ما قدرمتیقن‌گیری می‌‌کنیم می‌‌گوییم صحیحه عبدالله بن سنان‌ که نهی می‌‌کند از اعتماد بر عصا قدرمتیقنش صلات فریضه است و این صحیحه علی بن جعفر هم قدرمتیقنش صلات نافله است که تجویز می‌‌کند اعتماد بر عصا را در حال قیام و این جمع عرفی است و این جمع عرفی مقدم است بر جمع حکمی حمل بر کراهت.

اشکال (مبنایی): این جمع، تبرعی است

واقعا این مطلب عجیب است. یعنی ایشان مبنایش این است ولی مبنای عجیبی است. اکرم العالم قدرمتیقن از وجوب اکرام عالم، عادل است، ‌لاتکرم العالم قدرمتیقن از نهی از اکرام عالم، فاسق است پس می‌‌گوییم اکرم العالم یعنی عالم عادل، ‌لاتکرم العالم یعنی عالم فاسق. این جمع، عرفی است؟ این جمع تبرعی است آقا. چطور آقای داماد با آن ذهن عرفی قبول کرده این جمع را به عنوان جمع عرفی، الله اعلم.

آن جمع مشهور هم عرفی نیست، آن جمع هم تبرعی است.

آقای سیستانی خلاصه فرمایش‌شان این است، می‌‌گویند اعتماد من به صحیحه عبدالله بن سنان است، به هیچ‌کدام از این روایات مجوزه اعتماد ندارم. سندا و دلالتا هیچ روایتی پیدا نکردم که دلالت کند بر جواز اعتماد بر عصا در حال قیام در نماز فریضه. و لذا ایشان می‌‌گوید یا فتوی می‌‌دهیم یا احتیاط واجب می‌‌کنیم، بعد هم در تعلیقه احتیاط واجب کرده رعایت استقلال را در حال قیام.

اشکال اول به صحیحه علی بن جعفر (آقای سیستانی): اگر اطلاق داشته باشد مقید است به حالت عذر

می‌گوییم: این صحیحه علی بن جعفر چه گناهی کرده؟ می‌‌گویند دو تا مشکل دارد این صحیحه هل یصلح له ان یستند الی حائط المسجد و هو یصلی، این یک سؤال، أو یضع یده علی الحائط و هو قائم من غیر مرض و لا علة. ایشان می‌‌گوید این من غیر مرض و لا علة احتمال نمی‌دهید شما برای آن سؤال دوم باشد؟ یعنی یضع یده علی الحائط، یضع یده نه یستند، همین دست می‌‌گذارد. این من غیر مرض و لا علة‌ به سؤال اخیر احتمال نمی‌دهید بخورد؟ احتمالش هست. اگر این احتمال را می‌‌دهید یا به قرینه مقابله، آن سؤال اول که یستند الی حائط المسجد و هو یصلی به قرینه مقابله می‌‌شود فی حال المرض و العلة چون سؤال دوم را گفت من غیر مرض و لا علة، پس سؤال اول می‌‌شود فی حال المرض و العلة، استناد به دیوار مسجد در نماز در حال بیماری که اشکال ندارد. خود صحیحه عبدالله بن سنان هم گفت الا ان یکون مریضا. یا فوقش سؤال اول مطلق است، احتمال این‌که هست که این من غیر مرض و لا علة تقیید سؤال دوم باشد. پس سؤال اول مطلق باشد. مطلق که شد صحیحه عبدالله بن سنان قیدش می‌‌زند می‌‌گوید ما که گفتیم لابأس ان یستند الی حائط المسجد و هو یصلی مختص است به حال عذر چون در صحیحه عبدالله بن سنان گفتیم لایستند الی ان یکون مریضا.

پس خلاصه فرمایش ایشان این است: این من غیر مرض و لا علة که در سؤال دوم آمده (أو یضع یده علی الحائط و هو قائم) احتمالش هست که مختص به سؤال دوم باشد این تقیید و شامل سؤال اول نشود. در این صورت یا به قرینه مقابله می‌‌گوییم سؤال دوم فرض غیر المرض شده پس سؤال اول به قرینه مقابله در فرض بیماری است، ‌یستند الی حائط المسجد فی حال المرض و العلة، لابأس، خب معلوم است که لابأس، ‌صحیحه عبدالله بن سنان گفت مریض لابأس ان یستند الی الجدار. یا مطلق است سؤال اول، خب اطلاقش قابل تقیید است به صحیحه عبدالله بن سنان.

اشکال دوم (محقق داماد): بخاطر قرینه داخلیه، روایت حمل بر نافله می‌شود

نکته دوم آقای سیستانی: می‌‌گویند و قد یقال: (این در کلام آقای داماد هم هست) این ادامه روایت را هم ببینید: و عن الرجل یکون فی صلاة فریضة فیقوم فی الرکعتین الاولیین هل یصلح له ان یتناول جانب المسجد فینهض من غیر ضعف و لا علة؟ قال لابأس. ظاهرا آقای سیستانی از آقای داماد نقل می‌‌کند می‌‌گوید و قد یقال: ببینید! علی بن جعفر بعد از این سؤالی که کرد و جوابی که شنید که لابأس ان یستند الی حائط المسجد و هو یصلی، سؤال می‌‌کند برادرجان!‌ در نماز فریضه آیا جایز است آدم موقع ایستادن تکیه بدهد به دیوار مسجد برای نهوض للقیامش؟ برای برخواستنش؟ در نماز فریضه جایز است آدم تکیه بدهد به چیزی و برخیزد؟ می‌‌گویند اگر در آن سؤال اول علی بن جعفر فهمید چه نماز فریضه چه نماز نافله، آدم موقع قیام جایز است تکیه بدهد به دیوار، آن وقت می‌آید سؤال می‌‌کند، این مطلب را فهمیدیم، ‌بفرمایید آیا هنگام برخواستن جایز است تکیه بدهیم به دیوار؟ شما که سؤال کردی و جواب شنیدی که در نماز چه فریضه چه نافله موقعی که داری حمد و سوره می‌‌خوانی، ‌موقعی که داری تسبیحات اربعه می‌‌گویی، می‌‌توانی تکیه کنی به دیوار، لابأس، ‌اگر واقعا از سؤال اول این‌جور فهمید بعد علی بن جعفر می‌آید می‌‌گوید ببخشید یک سؤال دیگر هم دارم: موقع برخواستن می‌‌شود تکیه بدهم به دیوار؟‌ یکی بشنود می‌‌گوید شما علی بن جعفر هستی، ‌از فقهاء هستی، ‌امام که فرمود در نماز اعم از فریضه و نافله می‌‌شود تکیه بدهی به دیوار، ‌حالا گیر دادی موقع برخواستن تکیه بدهم به دیوار یا نه، ‌معلوم است جایز است، ‌به طریق اولی جایز است، ‌مقدمه قیام است، ‌خود قیام که نیست، نهوض للقیام.

این معلوم می‌‌شود که آن سؤال اول راجع به نماز نافله بوده و لذا علی بن جعفر با آن سؤال اول قانع نشده، جواب سؤال دوم را نگرفته که آیا می‌‌شود در نماز فریضه هنگام برخواستن تکیه به دیوار بدهیم یا نه، امام بفرماید اشکال ندارد. پس این صحیحه علی بن جعفر که اولش گفت لابأس مختص می‌‌شود به نماز نافله. حالا اگر هم مطلق باشد آن هم که آقای داماد گفت قدرمتیقنش نماز نافله است و قدرمتیقن صحیحه عبدالله بن سنان صلات فریضه است، ‌قدرمتیقن هرکدام را عمل می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] این‌ها ذهن‌های طلبگی شماهاست. عرف وقتی می‌‌گویند موقع قیام می‌‌توانی تکیه به دیوار بدهی، برای برخواستن [عرفی نیست بگویند] نخیر، احداث قیام باید بدون تکیه بر دیوار باشد. این‌ها در ذهن عرف نمی‌آید. عرف وقتی می‌‌گوید در حال قیامی که واجب است، ‌در حال قرائت و تسبیحات می‌‌توانی تکیه بدهی بر دیوار، می‌‌فهمد که در حال نهوض للقیام می‌‌شود تکیه داد به چیزی برخواست. ... یستند هم خودش را می‌‌اندازد به دیوار، ‌استناد است. ... فرض این است که استناد به او که دارد‌، با تکیه بر دیوار می‌‌خواهد بلند شود نه این‌که کسی او را بلند کند.

[سؤال: ... جواب:] آقای سیستانی طبق آن روش مشی نکرده. آن روش تفصیل بین فریضه و نافله می‌‌شود که آقای داماد تفصیل داده. که به قرینه این‌که ذیل سؤال از فریضه است حمل می‌‌کنیم صدر را بر سؤال از نافله، یا اطلاق دارد حملش می‌‌کنیم بر جواز اعتماد بر حائط در نافله. این فرمایش آقای داماد است. آقای سیستانی مطلقا می‌‌گوید الاحوط وجوبا ترک الاعتماد فی حال القیام. ... آقای سیستانی راجع به قد یقال اظهار نظر خاصی نکردند. ... شبیه آن اشکال پسر آقا جمال به حاج آقا حسین که چرا اینقدر خدا طول داد، للذکر مثل حظ الانثیین، می‌‌گفت للانثی نصف الذکر، ‌گفت اگر این‌جور می‌‌گفت مادرت کافر می‌‌شد!!.

پاسخ از اشکال اول: تنقیح دلالی ایشان عرفی نیست. ضمن این‌که حمل خطاب اولی بر عنوان ثانوی عرفی نیست

انصافا این فرمایشات آقای سیستانی و آقای داماد عرفی نیست. اما فرمایش آقای سیستانی، انصافا ظهور عرفی این روایت این است که من غیر مرض و لاعلة به هر دو سؤال می‌‌خورد. هل یصلح له ان یستند الی حائط المسجد و هو یصلی أو یضع یده علی الحائط و هو قائم من غیر مرض و لاعلة، ظاهرش این است که به هر دو می‌‌خورد. این احتمال که به دومی می‌‌خورد انصافا عرفی نیست. ظهور عرفی این است که به هر دو می‌‌خورد، ‌ما این‌جور می‌‌فهمیم.

ولی اگر ایشان اصرار دارند که نه، مجمل است، شاید قید به سؤال دوم بخورد، انصافا این ظهور در مقابل که بخواهد آن اولی معنایش این باشد که یستند الی حائط المسجد و هو یصلی فی حال المرض و العلة، انصافا هم‌چون قرینیتی ندارد. آنی که ایشان فرمود که یا بگوییم قرینه مقابله قرینه می‌‌شود که سؤال اول از استناد به حائط مسجد باشد در نماز در حال بیماری و مشکل، انصافا این عرفی نیست.

‌فوقش آن فرمایش دیگر ایشان ‌که اگر این من غیر مرض و لا علة به سؤال دوم بخورد، ‌سؤال اول می‌‌شود مطلق. می‌‌گوییم: از یک سؤال مطلق (خوب دقت کنید!) جواب مطلق بدهند بگویند لابأس، بعد بگویند مقصودمان فرض اضطرار است، ‌این جمع عرفی است؟ یجوز شرب النجس، ‌لایجوز شرب النجس الا فی حال الاضطرار، بگوییم آن یجوز شرب النجس حمل می‌‌شود بر فرض اضطرار، این عرفی است؟ ظاهر احکام این است که به لحاظ عنوان اولی بیان می‌‌کند، این قدرمتیقن است، نه این‌که حملش کنیم بر عنوان ثانوی، این عرفی نیست. یجوز الاحرام من ادنی الحل، بگوییم این فرض اضطرار است که نمی‌توانی بروی میقات، عرف این‌جوری صحبت نمی‌کند. عرف احکام به لحاظ عنوان ثانوی را به خطاب مطلق ذکر نمی‌کند و استیحاش می‌‌کند از این‌که به خطاب مطلق بخواهند حکم ثانوی را بیان کنند و لذا این جمع‌، عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] ما عرض کردیم فوقش مطلقی است سؤال اول که قابل حمل بر حال مرض نیست. ... دو تا مطلب گفتیم، یک: ظاهر من غیر مرض و لاعلة این است که به تمام سؤال می‌‌خورد، ‌هم به هل یصلح له ان یستند الی حائط المسجد هم به یضع یده علی الحائط و هو قائم.

و اساسا به شما بگویم: مراد از یضع یده علی الحائط این نیست که همین‌جوری دستش را می‌‌گذارد و می‌‌مالد حائط مسجد را، ‌این ظاهرش این است که فشار می‌‌آورد روی حائط مسجد به عنوان استناد. و الا محتمل نیست که آدم موقع نماز دستش را بکشد به دیوار بگوید این جایز نیست. یضع یده علی الحائط یعنی دستش را می‌‌گذارد روی دیوار به عنوان استناد. ظاهرش این است.

پس من غیر مرض و لاعلة ظهور دارد در این‌که به مطلق سؤال می‌‌خورد نه به خصوص سؤال دوم. و بر فرض هم مجمل باشد (خوب دقت کنید!) که آیا فقط به این سؤال دوم می‌‌خورد یا به سؤال اول هم می‌‌خورد، خب به سؤال اول نخورد اما حمل سؤال اول بر فرض مرض و علت عرفی نیست. حمل خطاب اولی بر بیان حکم عنوان ثانونی، ‌این جمع عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] آقای سیستانی فرمودند محتمل است این من غیر مرض و لا علة بخورد به سؤال دوم و اگر بخورد به سؤال دوم یا می‌‌گویید به قرینه مقابله آن سؤال اول در فرض مرض و علت است، سؤال دوم در فرض عدم مرض و علت است، پس سؤال اول این است: یستند الی حائط المسجد و هو یصلی فی حال المرض و العلة، ‌این باشد که معلوم است جایز است، ‌صحیحه عبدالله بن سنان هم می‌‌گفت جایز است. و اگر بگویید مطلق است، ‌قابل تقیید به حال مرض و علت است. ما عرض‌مان این است: بر فرض مجمل باشد، ‌انصافا حملش به این‌که به قرینه مقابله ظهور دارد سؤال اول در این‌که یستند الی حائط المسجد و هو یصلی فی حال المرض و العلة‌، این خیلی غیر عرفی است. پس فوقش می‌‌گویید مطلق است، ولی بدانید این اطلاق قابل حمل بر حال مرض که یک عنوان ثانوی است نیست، نمی‌شود ظاهر خطاب اولی را حمل کرد بر عنوان ثانوی.

پاسخ از اشکال دوم: قرینه‌ای بر حمل بر نافله نداریم

و اما آنی که آقای داماد فرمود: "سؤال اخیر راجع به صلات فریضه است، این‌ها کتاب علی بن جعفر بوده معلوم نیست در یک مجلس این‌ها را سؤال کرده"، آخه قرینه‌ای نداریم بگوییم سؤال اول در نماز نافله است، ‌مطلق است. فوقش می‌‌گویید چرا از سؤال اول جواب سؤال دوم را نفهمید که در حال قیام در نماز فریضه هم می‌‌شود تکیه کرد پس در حال نهوض للقیام به طریق اولی می‌‌شود تکیه کرد به دیوار. کی می‌‌گوید در همان مجلس سؤال کرده؟ سؤال‌های متعددی است.

وانگهی علی بن جعفر آن وقتی که این سؤال را می‌‌کرد جوان بود، کی می‌‌گوید از فقهاء اصحاب بود؟ مثل این‌که بگوییم آقای گلپایگانی از فقهاء اصحاب است، ‌پس این سؤالی که از حاج شیخ کرده تناسب ندارد با‌ شأن مرجع تقلید بودنش، ‌خب آقای گلپایگانی آن وقتی که با حاج شیخ مأنوس بود که مرجع تقلید نبود، ‌طلبه بود درس می‌‌خواند یک سؤالی کرد. علی بن جعفر جوانی بود، ‌از برادرش موسی بن جعفر سؤال‌هایی کرد، تا زمان امام جواد هم زنده بود. و به آن انسان بزرگ گفتند چقدر تواضع می‌‌کنی در مقابل این نوجوان، می‌‌گفت خدا این ریشه سفید را صالح برای امامت ندانست، من آن را لایق جهنم نمی‌کنم، خدا لایق امامت ندانست من با انکار امامت امام جواد این ریش سفید را لایق جهنم نمی‌کنم. زنده بود تا زمان امام جواد. این جوان بوده سؤال می‌‌کرده، ‌از اول که فقیه نبوده.

انصافا این اشکال‌ها وارد نیست و دلالت این صحیحه بر جواز اعتماد بر عصا مطلقا فی صلاة فریضة أو نافلة بر عصا و حائط دلالتش تام است و جمع عرفی آقای خوئی جمع تمامی است.

بقیه مطالب ان‌شاءالله فردا.

1. [وسائل، ج5، ص500](https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/167736/translate/%D8%A8%D8%AE%D9%8E%D9%85%D9%8E%D8%B1%DA%A9%20%D9%88%20%D8%A7%D9%86%D8%AA%20%D8%AA%D8%B5%D9%84%DB%8C?rownumber=2https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/167736/translate/%D8%A8%D8%AE%D9%8E%D9%85%D9%8E%D8%B1%DA%A9%20%D9%88%20%D8%A7%D9%86%D8%AA%20%D8%AA%D8%B5%D9%84%DB%8C?rownumber=2). [↑](#footnote-ref-1)
2. [بصائرالدرجات، ج1، ص158](https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/300052/translate/%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%20%D8%A8%D9%86%20%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%20%D8%B9%D9%86%20%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B6%D8%B1%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B3%D9%88%DB%8C%D8%AF%20%D8%B9%D9%86%20%D9%87%D8%B4%D8%A7%D9%85%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%85?rownumber=3). [↑](#footnote-ref-2)
3. [بصائرالدرجات، ج1، ص485](https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/301166/translate/%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF%20%D8%A8%D9%86%20%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%20%D8%B9%D9%86%20%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B6%D8%B1%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B3%D9%88%DB%8C%D8%AF%20%D8%B9%D9%86%20%DB%8C%D8%AD%DB%8C%DB%8C%20%D8%A7%D9%84%D8%AD%D9%84%D8%A8%DB%8C?rownumber=1). [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، ج7، ص380، طبع دارالکتب الاسلامیة](https://lib.eshia.ir/11005/7/380/%D8%B9%D9%90%D8%AF%D9%91%D9%8E%D8%A9%D9%8C_%D9%85%D9%90%D9%86%D9%92_%D8%A3%D9%8E%D8%B5%D9%92%D8%AD%D9%8E%D8%A7%D8%A8%D9%90%D9%86%D9%8E%D8%A7_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%92_%D8%A3%D9%8E%D8%AD%D9%92%D9%85%D9%8E%D8%AF%D9%8E_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D9%85%D9%8F%D8%AD%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%AF%D9%90_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D8%B9%D9%90%D9%8A%D8%B3%D9%8E%D9%89_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%90_%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%91%D9%8E%D8%B6%D9%92%D8%B1%D9%90_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D8%B3%D9%8F%D9%88%D9%8E%D9%8A%D9%92%D8%AF%D9%8D_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%90_%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%82%D9%8E%D8%A7%D8%B3%D9%90%D9%85%D9%90_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D8%B3%D9%8F%D9%84%D9%8E%D9%8A%D9%92%D9%85%D9%8E%D8%A7%D9%86%D9%8E_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%92_%D8%AC%D9%8E%D8%B1%D9%91%D9%8E%D8%A7%D8%AD%D9%8D_%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%85%D9%8E%D8%AF%D9%8E%D8%A7%D8%A6%D9%90%D9%86%D9%90%D9%8A%D9%90_). [↑](#footnote-ref-4)
5. [الفهرست، ج1، ص261](https://lib.eshia.ir/14010/1/261/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B3%D9%8A%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%B3%D8%B9%D9%8A%D8%AF_%D8%AC%D9%85%D9%8A%D8%B9%D8%A7%D8%8C_%D8%B9%D9%86_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%B6%D8%B1_%D8%A8%D9%86_%D8%B3%D9%88%D9%8A%D8%AF%D8%8C_%D8%B9%D9%86_%D9%8A%D8%AD%D9%8A%D9%89_%D8%A7%D9%84%D8%AD%D9%84%D8%A8%D9%8A). [↑](#footnote-ref-5)
6. [رجال نجاشی، ج1، ص314](https://lib.eshia.ir/14028/1/314/%D9%84%D9%87_%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8_%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%DB%8C%D8%B3%DB%8C_%D8%B9%D9%86_%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%B3%D8%B9%DB%8C%D8%AF). [↑](#footnote-ref-6)
7. [منتقی الجمان، ج2، ص76](https://lib.eshia.ir/11022/2/76/%D9%88_%D8%B9%D8%B3%DB%8C_%D8%A7%D9%86_%DB%8C%DA%A9%D9%88%D9%86_%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B1_%D8%A7%D9%84%D8%B0%DB%8C). [↑](#footnote-ref-7)
8. [بصائرالدرجات، ص214](https://lib.eshia.ir/86650/1/214). موضع دوم: [ص365](https://lib.eshia.ir/86650/1/365/%D8%A3%D9%8E%D8%AD%D9%92%D9%85%D9%8E%D8%AF%D9%8F_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%8F_%D9%85%D9%8F%D8%AD%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%AF%D9%8D_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%90_%D8%A7%D9%84%D8%B1%D9%91%D9%8E%D8%A8%D9%90%D9%8A%D8%B9%D9%90_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D9%85%D9%8F%D8%AD%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%AF%D9%8D_%D8%B9%D9%8E%D9%86%D9%90_%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%91%D9%8E%D8%B6%D9%92%D8%B1%D9%90_%D8%A8%D9%92%D9%86%D9%90_%D8%B3%D9%8F%D9%88%D9%8E%D9%8A%D9%92%D8%AF%D9%8D). [↑](#footnote-ref-8)
9. [قرب الأسناد، ج1، صفحه 171](https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/20573/translate/%D9%81%D8%A7%D8%B0%D8%A7%20%D8%A8%D9%82%DB%8C%D8%AA%20%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA%20%D9%82%D8%A7%D9%85%20%D9%81%D9%82%D8%B1%D8%A3%D9%87%D9%86?rownumber=4). [↑](#footnote-ref-9)
10. [العروة المحشی، ج2، ص179](https://lib.eshia.ir/12604/2/179). [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل، ج5، ص499](https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/167735/translate/%D8%A7%D9%84%DB%8C%20%D8%AD%D8%A7%D8%A6%D8%B7%20%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF%20%D9%88%20%D9%87%D9%88%20%DB%8C%D8%B5%D9%84%DB%8C?rownumber=4). [↑](#footnote-ref-11)